

سازتخا ۲

چهارضرب ها و قطعات آوازی

حسب الله بدیع

نوشته

فرشید فرهمند حسن

چاپ و نشر بهمت :

آریا اخلاص

مرکز نشر و پخش کتب و لوازم موسیقی
تلفن: ۳۱ - ۳۳ ۹۷ ۶۴ ۳۰ نمابر: ۳۳۹۱۴۳۱۴
WWW.AREF-MUSIC.COM

به بنام نردان پاک

بی تردید یکی از مفاخر موسیقی معاصر ما در زمینه نوازندگی، آهنگسازی و
آرپاغات هنری، زنده یاد استاد حبیب الله بدیعی می باشد، او دارای شخصیتی ماهر
و اعظم که میزبانی از این شخصیت در سینه نوازندگی و آهنگسازی هنرستان مسعود است
کسیک نوازندگی او و شخصیتی از اهلالت موسیقی ایران بهرگاه مشی موسیقی
که کسیک غرب است، بی گمان آثار به جای مانده از این هنرمند گدای واقعی و واقعی
از این مطلب است، در زمینه آهنگسازی با خلق آثار جاودانه ای چون
کعبه دریا، سیر سیرم، سرار جاودان و خیلی آثار دیگر گدای ترقی پرهیزان و
تسلط وی بر لحن ها و مراحلهای موسیقی سیرم است.

در خانه بابایی از درخت جوان و خرم خرم آگاهی فرزند هنر زاده که خمر درخت
به نام پیشوایان هنر موسیقی این مرز و بوم عاقبت و ارادتی هم دارند و سبب
که آشنائی بیشتر جوانان بهین غریبان با هنرندان پیشوای موسیقی ایران زمین
می شود، که روزی سعادت و سعادت و موفقت برای این و با کار روزی که روزی و
رحمت برای روان پاک زنده یاد حبیب الله بدیعی از ده ماه نردان پاک را میم

با درود افرم
فضل الله تعالی

بنام آنه جان داکتر آهفت

سالهای دهه ۴۰ که در هنرستان آزاد موسیقی ملی ردیف های اولین صبا را نزد استادان ستود : منوچهر صادقی و حمید صیدری آموختم و مرور می کردم استادانی مانند علی تجویدی و حبیب الله بدلی را که در هنرستان ردیف های صبا را تدریس می کردند چند لحظه گذرامی دیدم . ولی از آنجا که همه حواسم در ستود و ردیف های صبا خلاصه می شد ، سعادت حضور در کلاسهای این را نداشتم . فقط گاهی یک سلام از جانب من و جوابی پیراز مهر نصیب می شد .

در این میان ویلن حبیب الله بدلی را تنها از یادیر که آن زمان وسیله ارتباط با موسیقی و هنرندان موسیقی بود می توانستم بشنوم و حیدر صدامی سازش و اجرای برام دلنبره و زیبا بود . بسیار آرام صحبت می نمود ، مرتب و با وقار جلوه می کرد .

در آن روزگار جوانی ام ، تنها موسیقی دلمواهم در رشته موسیقی ایرانی ، موسیقی کلاسیک و رنگارنگ و تله های جادویان بود . پیانوی محبوبی ، ویلن دلنشینی بنام سرتار مبادی ، فیکسی و ویلن حبیب الله بدلی مرا با روح آسایش می برد .

ولی در زمان دانشجویی ام در سالهای ۴۹-۴۵ که تمام به شیوه سنتز سازی حبیب سامی کشید شد و برای رسیدن به آن ، ناگزیر ترک وطن زمان خود کردم و بسیار صحنه های قدیمی همچون آثار درویش خان ، آقا حنیف ، دسائی و سرتار مله کاش می ، طاهرزاده ، پروانه ، حبیب سامی و ... سفر کردم .

به مبارق شیوه حبیب در ستود نزدیکان شیوه حبیب در ویلن زمانم بود با این تفاوت که ستود حبیب فضایی دیگری از باغ موسیقی داشت - ردیف

برایم تداعی می کرد. آنقدر مستور جیب رنکدار مرا متغول نمود که یک روز
متوجه شدم بیش از پانزده سال رست که در فضا محاسبتی زمان گذشته
مانده ام و از محسبتی دلتها زمان خود محامل.

وقتی جوان فرمند و فرهیبه فرسید فرمند، خواستند که در باره جیب الله یعنی
مطلبی برایشان بنویسم. دوباره سر از سالها به ویریلن جیب کوش فرا دارم
برایم عجیب بود، همان حالت گذشته کوه در خاطرم جلوه کرد، بسیار
آرام نشستم، در دست و پا و تار. و مانند ستور جیب حیدر خوب
و بسیار هم و نیز در سازه استفاده می کنند و مانند جیب ساسی در ابر خلات و
احساس خوبی را در شنیدن ایاد می نماید، هر چند که در آوازه ها و چهارمفرها
از فضایی ردیف استادیان گذشته دور رست. ولی همین سرشار از تنوع
و تازه گی و طراوت رست. و اکنون همین نمی دانه که در اجرای محسبتی دانان گذشته
به چیز بود و هست که مرا بخود می کشاند و در شنیدن آنجا و ستور جیب ساسی
همین مشتاقم.

در خانه حیدر خوب و زیباست جوانانی که سایل تراکری ساز ویریلن ایرانی هستند
از آثار جیب الله بدیمی برای شنیدن و آموختن بهره مند. در این بعضی علاوه بر آشنا
بودن به محسبتی ردیف استادیان گذشته و شگرفی نداشتن در کار مانند مفتاح پان
و بسیار ادانتی. ویریلن این از صدا دهی و رعایت حالت های محسبتی ایرانی و
نوازشها و نگارگری عوامل دقیق و آراسته شمی هیچ بر فرود دار رست.

و حیدر خوب و زیباست که برخی از جوانان امروز، همچون فرسید فرمند
به محسبتی ملی و دلتخواه خود ملامت می دهند و در حفظ و اشاعه آن می کوشند.

باتشکر محمد علی مبارک ۹۱

عضو هیئت علمی پردیس فرهنگ و زبان

گروه محسبتی

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

سالها رسیده ۴۰ که در هنرستان آزاد موسیقی ملیردیف های ابوالحسن صبا را نزد استادان ستور، منوچهر صادق و محمد جیدر آموزش و مرور می کردم استادانی مانند علی تجویدی و حبیب الله بدیع را که در هنرستان ردیف های صبا را تدریس میکردند چند سخته می گذرا میدیدم. ولی از آنجا که همه ی حواسم در ستور و ردیف های صبا خلاصه میشد، سعادت حضور در کلاس های ایشان را نداشتیم، فقط گاهی یک سلام از جانب من و جوابی پر از مهر نصیبم میشد.

در این میان ویولن حبیب الله بدیع را تنها از رادبو که در آن زمان وسیله ی ارتباط با موسیقی و هنرمندان موسیقی بود میتوانستیم بشنویم و چقدر صدای سازش و اجرایش برایم دلپذیر و زیبا بود، بسیار آرام بخش، سنجیده، مرتب و باوقار جلوه میکرد.

در آن روزگار جوانی ام، تنها موسیقی دهنخوام در زمینه ی موسیقی ایرانی، موسیقی گکهای رنگارنگ و گکهای جاویدان بود. پیانوی محبوبی، صدای دلنشین بنان، سه تار عبادی، نی کسائی و ویولن حبیب الله بدیع مرا به اوج آسمانهای برد.

ولی در زمانه دانشجویی ام در سالها ۴۵-۴۹ که توجه ام به شیوه ی ستورنوازی حبیب سماعی کشیده شد و برای رسیدن به آن، ناگزیر ترک وطن زمان خود کردم و بیدار صفحه